



عسل و مینا؛ غایب برای همیشه

گزارش «شهرزند» از حادثه تصادف سرویس دانش آموزان در کرمانشاه که دوفوتی و ۱۶ زخمی داشت

لیلا مهداد «هیچ چیز یادم نمی آید.» کلاه کاپشن سرمه ای اش را روی موهای مجعدش کشیده. پیشانی‌ش زخم برداشته و نیمه راست صورتش سرخی خون به خود دارد. ترس تمام وجودش را گرفته و این را می توان از طنین صدایش خواند. «بد جور تصادف کردیم.» از شتاب گرفتن مینی بوس و صدای مهیبی که پیچید میان شان هیچ به خاطر ندارد. «فقط بلند شدم، دیدم مردم قیل و قال می کنن.»

هم شاگردی دیگر کمی آن طرف تر ایستاده؛ به همان میزان مضطرب. ماسک سفید از زیر مقنعه از گوش چپش آویزان است. دست راستش را گرفته و با آه و ناله می گوید: «حالم خیلی بد. دستم درد می کنه.» با استرس چشم به اطراف اوژژانس می چرخاند. «بقیه بچه ها همش خون از سرو کله شان آمده.» در میانه هیاهوی اورژانس و ناله دخترکان، راننده روی یکی از تخت ها دراز کشیده. پیراهن یاسی رنگی به تن دارد که لکه های خون رویش به جا مانده؛ از حادثه صبح. تمام صورتش به جزلب هایش با باند پوشانده شده است.

چشم هایش جایی را نمی بیند و بینی اش بی شک دچار شکستگی شده. دست چپش را زیر سر برده تا کمی سرش بالا بیاورد. «در مسیری که

می آمدم مه آلود بود. یک کمپرسی سد معبر کرده بود. روی جاده و استاده بود، بره آبادی او طرف.» با همان لهجه کرمانشاهی ماجرا را تعریف می کند. از سرعت پابینش می گوید. «سرعتم حدود ۴۰ تا ۵۰ بود. بهش رسیدم، ترمز کردم اما بهش خوردم. راننده فرار کرد.» قول و قرار امروز دخترها رسیدن به مدرسه شان در روستای «دولت آباد» بود؛ «مدرسه کوثر». مدرسه ای که ۴۶ دانش آموز دختر را از روستا دور هم جمع می کند برای یاد گرفتن. قرار بود امروز سر کلاس رفع اشکال بنشینند. دخترکان تصمیم گرفته بودند در فرصت برگشت به خانه بگو بخندهای ریز باهم داشته باشند اما سرنوشت جور دیگری رقم خورد.

جاده هلشی - ماهیدشت؛ سه راهی قلعه نجف علی خان

همه چیز مثل همیشه بود؛ بیدار شدن برای نشستن پشت میز کلاس درس. قول و قرار دانش آموزان ۱۲ روستا سوار شدن بر مینی بوس قرمز رنگی بود که می رساندشان مدرسه. هر روستا یکی، دو دانش آموز داشت برای رفتن به مدرسه. امروز هم به روال روزهای قبل سر ساعت روی صندلی های مینی بوس نشستند. ۱۹ دختر بچه ای که حالا دانش آموز مقطع

انتظامی و... آمدند. «نیمنا احمدی» و سه همکارش از تیم واکنش سریع بودند که چشم شان به مینی بوس مجال افتاد. «ساعت ۹ صبح به ما اطلاع دادند.» جاده مه بود و پرتزافیک و چیزی حدود ۲۵ دقیقه زمان طول کشید برای رسیدن به صحنه حادثه. «اوژژانس اولین تیم رسیده بود.»

اولین اقدام، رهاسازی مینی بوس و دانش آموزان محبوس در آن بود. «دو نفر سر حادثه فوت کردند. حال سه نفر هم وخیم بود.» پرت بودن منطقه در دسر تیم ها را بیشتر کرد برای رسیدن به نقطه حادثه. «ماشین داخل کامیون رفته بود از سمت شاگرد.» راننده قبل از همه به بیمارستان منتقل شده بود. «راننده شرایط خوبی نداشت.»

جاده هلشی - ماهیدشت پُر از هیاهو شده بود. صدای تیم هایی که برای امداد آمده بودند. همه هم محلی ها و ماشین های گذری هم بود، اما صحنه های پنج، ۶ مادر و پدری که پای برهنه به مینی بوس در هم پیچیده رسیده بودند گوش فلک را کر می کرد. «با آمدن خانواده ها کار سخت تر شد.» محلی ها برای کمک خودشان را رساندند به جاده. عده ای مادرها را آرام می کردند و تعدادی پدرها را از مینی بوس دور می کردند. «رهاسازی انجام شده و مصدومان راه اوژژانس سپردیم.»

مدیرکل آموزش و پرورش کرمانشاه؛ سرویس مدرسه نبوده

عقربه های ساعت روی ۸ و ۳۰ شاید هم روی ۸ و ۵۰ دقیقه ایستاده بود. جاده هلشی - ماهیدشت، سه راهی قلعه نجف علی خان. مه شدید و ماشینی که گوشه جاده پارک شده بود. «متأسفانه امروز ۱۷ آذرماه مادوتن از دانش آموزانمان را از دست دادیم.» این را مدیرکل آموزش و پرورش کرمانشاه می گوید.

به گفته «مجید یزدان پناه» حال عمومی باقی مانده دانش آموزان خوب است. «این آخرین خبری است که رئیس دانشگاه علوم پزشکی اعلام کرده است.» به گفته مدیرکل آموزش و پرورش

کرمانشاه، مینی بوس حامل دانش آموزان را خود خانواده ها اجاره کرده بودند. «این مینی بوس سرویس مدرسه نیست.» صحبت از روستا که به میان می آید و همه افت تحصیلی و ترک تحصیل است. روستاهایی که هر کدام چند دانش آموز اغلب به خود نمی بینند. «امکان تأسیس دبیرستان در هر روستا وجود ندارد برای همین از مدارس تجمعی بهره می بریم.» دانش آموزان چند روستا خودشان را به مدرسه یکی از روستاها می رسانند برای به حدنصاب رسیدن. «دانش آموزان ۱۱ روستا در روستای ۱۲ یعنی «دولت آباد» جمع می شوند برای تحصیل. تعداد دانش آموزان به ۴۵ نفر می رسد.»

شرایط حضوری بودن مهیاست؛ حضوری بودن اجباری نیست

از ۴۵ دانش آموز مدرسه «کوثر» سه دانش آموز استثنایی اند. «این دانش آموزان با رضایت خانواده ها به این مدرسه می روند.» تنها مدرسه استثنایی این منطقه گویی در «ماهیدشت» واقع شده و روستاها چنین مدرسه ای به خود نمی بینند. «این روستاها متقاضی سرویس مدرسه نبودند.»

به گفته «یزدان پناه» تقاضا برای سرویس مدرسه باید از طرف خانواده ها به شکل رسمی اعلام شود. «مینی بوس دانش آموزان مدرسه کوثر از اول آبان کارش را شروع کرده است.»

مدیرکل آموزش و پرورش کرمانشاه می گوید ما یک چیز اعلام کردیم؛ شرایط برای حضوری بودن مدارس مهیاست. «در هیچ نامه اداری اعلام نکردیم حضوری بودن اجباری است.» حضوری یا غیرحضوری بودن سرکلاس های درس به شورای مدارس سپرده شده است. «امکان دارد مدرسه ای برای دانش آموزان یک روز در هفته کلاس بگذارد مدرسه دیگری دوازده روز در هفته.»

شورای مدارس از میان خانواده دانش آموزان انتخاب می شوند. «شورای این مدرسه تصمیم به حضور دانش آموزان در یک روز هفته گرفته بودند.»



ارابه های مرگ همچنان استارت می خورد

نگاهی به تصادفات دانش آموزان و دانشجویان در دهه های اخیر؛ از اتوبوس های راهیان نور تا سرویس های فرسوده مدارس

راضیه زرگری هر چند وقت یک بار با اتفاقات خاصی در حوزه دانش آموزی مواجه می شوم؛ بیشتر تصادفات با خودروهای فرسوده و از رده خارج که ارابه مرگ فرزندان این سرزمین می شوند. آخرین خبر از این دست، اولین خبری بود که خیلی از ما امروزان را با خواندنش شروع کردیم و بار دیگر متأسف شدید برای دل داغدار خانواده های قربانیان و نگرانان شدید از حال مصدومان. ولی قطعاً واژگونی مینی بوس دانش آموزان کرمانشاهی بر اثر برخورد با کامیون در هوای مه آلود نیمه آذر ۱۴۰۰ آخرین حادثه دانش آموزی نخواهد بود. در سه دهه گذشته حوادث جاده ای بسیار زیادی در ایران اتفاق افتاده که بعضی از آنها به دلیل حضور مسافرانی خاص خیرساز شده؛ از دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف تا دانش آموزان، خبرنگاران یا سایر مأموران.

بر اساس آمارها سالانه حدود ۲ هزار دانش آموز در تصادفات درون و برون شهری کشور جان می بازند و این در حالی است که پس از گذشت مدت زمانی از این وقایع همه چیز فراموش می شود و کسی حتی در پی علت حوادث و پیشگیری از وقوع آن نیز بر نمی آید.

ششم دی ماه ۱۳۷۱

هنوز هم شیب تند ولنجک برای بسیاری از اهالی شمال تهران یادآور حادثه تلخ بریده شدن ترمز مینی بوس حامل دانش آموزان مدرسه راهنمایی ارشاد است. این دانش آموزان عازم اردو بودند که ترمز مینی بوس از کار افتاد و با یک دیوار بتنی برخورد کرد. ۱۹

دانش آموز و همراهان آنها جان باختند.
۱۳۷۶ اسفند ماه

حادثه تلخ مرگ همکلاسی های مریم میرزاخانی یکی از تلخ ترین حوادث جاده ای دانشجویی کشور است. اتوبوس حامل دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف در مسیر بازگشت از مسابقات ریاضی کشوری در اهواز دچار سانحه شد و هفت دانشجو، دو عضو هیأت علمی و دو راننده کشته شدند. این اتوبوس در جاده اندیمشک - پلدختر در محلی به نام «پل تنگ» از جاده خارج شد و از ارتفاع ۶ متری سقوط کرد. در مسابقات ریاضی آن سال ۲۹ نفر از دانشجویان دانشکده ریاضی دانشگاه صنعتی شریف با ارایه ۱۵ مقاله شرکت داشتند و اعضای تیم سه نفره دانشگاه شامل مریم میرزاخانی، ایمان افشاری و حسین نمازی در بخش مسابقه موفق به کسب عنوان اول تیمی شدند. بعضی جانبازان برنده مدال طلای المپیادهای ملی و بین المللی ریاضی بودند و مریم میرزاخانی از این سانحه جان سالم به در برد.

چهارم اردیبهشت ماه ۱۳۹۲

دو دهه بعد از آن خاطره تلخ خیابان ولنجک، بار دیگر کنترل اتوبوس حامل دانش آموزان مدرسه امام حسین که آنها هم عازم اردو بودند، در خیابان ولنجک از دست راننده خارج شد و اتوبوس پس از برخورد با چند خودرو به دیوار یک ساختمان خورد و متوقف شد. در این حادثه کسی آسیب جدی ندید.

شهریور ۱۳۹۶

شهریورماه ۹۶ در آستانه بازگشایی مدارس، واژگونی اتوبوس حامل دختران دانش آموز راهنمایی و دبیرستانی استان هرمزگان ۹ کشته و ۳۴ زخمی به همراه داشت. معاون وقت سازمان اوژژانس کشور خبر داد که در این حادثه دو دانش آموز نیز قطع نخاع شدند. این اتوبوس از هرمزگان راهی اردوی شیراز بود که ساعت چهار صبح در نزدیکی شهرستان داراب واژگون شد. یک سال قبل هم رسانه ها خبر داده بودند که اتوبوس حامل دانش آموزان استان چهارمحال و بختیاری در مسیر برگشت از مشهد واژگون شد و دو دانش آموز کشته شدند.

حوادث جاده ای دانش آموزان راهیان نور؛ ۸۷ تا ۹۶

اردوهای «راهیان نور» که عمدتاً با اتوبوس به بازدید از مناطق جنگی بازمانده از دفاع مقدس در غرب و جنوب غربی کشور می روند، بارها شاهد حوادث جاده ای بوده است. در یکی از مرگبارترین حوادث، در فروردین ۱۳۸۷ اتوبوس کاروان راهیان نور در جاده شهرکرد به ایذه در استان خوزستان با گاردریل کنار جاده برخورد کرد که ۲۷ نفر در این سانحه جان باختند. سال ۱۳۹۱ نیز در سانحه ای که برای اتوبوس راهیان نور رخ داد، ۲۶ دانش آموز دختر ساکن استان چهارمحال و بختیاری کشته شدند. بیست و یکم آذر ۱۳۹۶ هم در سانحه تصادف یک اتوبوس حامل دانش آموزان دختر اعزامی به مناطق جنگی از استان البرز پنج نفر، از جمله دو دانش آموز کشته شدند. حدود سه ماه پیش

از آن هم واژگون شدن یک اتوبوس دیگر حامل دانش آموزان هرمزگانی اردوی راهیان نور ۹ کشته بر جا گذاشت که هفت نفر از آنها دانش آموز بودند.

چهارم دی ماه ۱۳۹۷

اتوبوس دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران در محوطه داخلی دانشگاه واژگون شد که ۱۰ کشته و ۲۶ زخمی به همراه داشت. در این حادثه ۸ دانشجو، راننده و پدر یکی از دانشجویان کشته شدند. واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد در ارتفاعات شمال غرب تهران (حصارک تهران) قرار دارد و اختلاف ارتفاع ساختمان های ورودی دانشگاه با ساختمان های انتهای سایت بسیار زیاد است؛ همین موضوع باعث استفاده از ده ها دستگاه اتوبوس برای انتقال دانشجویان به دانشگاه های مختلف آن شده است. اتوبوس این حادثه فاقد معاینه فنی بوده و ۲۰ روز قبل از حادثه به سرویس های این دانشگاه اضافه شده بود. کمیته ویژه پیگیری سانحه اتوبوس، چند روز بعد در اطلاعیه ای اعلام کرد پنج نفر از مدیران این دانشگاه از کار برکنار شدند. به دنبال این حادثه تمام سه روز بعد صدها دانشجو واحد علوم تحقیقات مقابل در ورودی این واحد تجمع اعتراضی برگزار و عذرخواهی و استعفا بالترین دست اندرکاران و مقام های دانشگاه را خواستار شدند. برای این پرونده دادگاه هم تشکیل شد و پیمانکار حمل و نقل دانشگاه به سه سال زندان و رئیس واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد، نیز به سه سال زندان محکوم شد.